



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



اربعین
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



فلسفہ ی حج

سخنرانی حضرت آیت ا... سید حسن فقیہ امامی رحمۃ اللہ علیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فلسفه حج

نویسنده:

آیت الله سید حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
فلسفه ی حج	۶
مشخصات کتاب	۶
سخنرانی ۱	۶
سخنرانی ۲	۲۷
درباره مرکز	۴۶

سرشناسه : فقیه امامی، حسن، 1313-

عنوان و نام پدیدآور : سخنرانی حضرت آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی پیرامون فلسفه ی حج/[حسن فقیه امامی].

مشخصات نشر : اصفهان: مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان، واحد تحقیقات، 1387.

مشخصات ظاهری : 40ص.؛ م.س 11×17

شابک : 978-964-04-2698-2

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت :عنوان دیگر: فلسفه ی حج.

یادداشت : کتابنامه.

عنوان دیگر : فلسفه حج.

موضوع : حج.

موضوع : حج -- فلسفه.

رده بندی کنگره : BP188/9/ف7س4 1387

رده بندی دیویی : 297/357

شماره کتابشناسی ملی : 1 5 5 3 2 8 4

ص: 1

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

سخنرانی

حضرت آیة الله حاج سیّد حسن فقیه امامی

(مدّ ظلّه العالی)

پیرامون فلسفه ی حج

«قسمت اوّل»

جمادی الثانی 1425 هـ ق

ص: 3

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين حمداً أزلياً بأبديته، وأبدياً بأزليته، سَرمداً بإطلاقه مُتَجَلِّياً مرايا آفاقه، والصلوة والسلام على سيد أنبيائه البشير النذير
والسراج المُنير سيّدنا أحمد ونبينا أبي القاسم مُحَمَّد، واللَعْنُ الدائم على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين.

بحثمان راجع به شرح خطبه حضرت فاطمه ى

ص: 5

زهراعلیها السلام است و رسیدیم به این جمله:

«وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ»⁽¹⁾

فلسفه وجوب حج، که خدا آن را واجب کرده است چیست؟ فاطمه ی زهراعلیها السلام يك كلمه بیشتر فرموده اند: «تَشْيِيداً لِلدِّينِ» ولیکن همه ی مطالب در همین جمله نهفته است حالا ما مقداری راجع به فلسفه حج عرائضی را تقدیم می کنیم تا بعد ان شاء الله مطلبی را که بی بی دو عالم فرموده اند روشن شود.

اولاً آنچه که مطالعه می کنیم در آیات و روایات مربوط با حج مسئله ی ناس مطرح است ناس یعنی مردم:

ص: 6

1- بحار الأنوار، علامه مجلسی ج 29 ص 223 فصل نورد فيه خطبة خطبتها سيدة النساء

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (1)

اولین خانه ای که برای مردم ساخته شده آن خانه ایست که در مکه بنیانگذاری شده؛ یا می بینیم که می فرماید چرا حج واجب شده است:

«قِيَامًا لِلنَّاسِ» (2)

برای این که عامل خیزش و قیام مردم است؛ یا می فرماید:

ص: 7

1- آل عمران 96: «نخستین خانه ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است؛ که پر برکت، و مایه ی هدایت جهانیان است»

2- مائده 97 «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

برای این که مردم بخواهند ثواب ببرند مکه محلّیست که برای دریافت ثواب است.

حج و مراسم حج عامل هدایت مردم است. خلاصه هر چه که دقت می کنیم می بینیم مسئله مردم مطرح است این خانه و تمام مقرراتی که برایش وضع شده در راستای منافع مردم است مردم باید از حج استفاده کنند. یا می فرماید:

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ

ص: 8

1- بقره 125 «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»

2- آل عمران 96

واجب است بر مردم که حق خدا را اداء کنند و حق خداوند متعال زیارت خانه اوست. بنابراین مردم باید از این فریضه ی بزرگ الهی عالی ترین بهره برداری را داشته باشند.

یکی از خصوصیات حج این است که واقعاً حج پاك كننده انسان ها است. آن آدم هایی که سالیان دراز به گناه آلوده بوده اند موقعی که مگه می روند از بدو شروع تا آخر کار، تمام عوامل مغفرت و آمرزش گناه جمع است؛ مثلاً اولین کاری که حاجی انجام می دهد رسیدن به میقات است، آنجایی که باید لباس هایش را بکند و

ص: 9

1- آل عمران 97: «و برای خدا بر مردم است که زیارت خانه ی او کنند، آن ها که توانایی رفتن به سوی آن دارند»

لباس های احرام بپوشد، آنجا میقات است؛ در حج جاهلی میقات مطرح نبود ولی در اسلام خدا مقرر کرده است که لباس احرام را از میقات باید بر تنشان بکنند.

از حضرت رضاعلیه السلام سؤال شد در فلسفه احرام فرمودند: علتش این است که حاجی از آن وقتی که وارد میقات می شود خودش را آماده می کند برای زیارت خانه خدا یعنی لباس کار می پوشد بدین مفهوم که شغل دیگری ندارد، حواس خود را از دنیا و گرفتاری های دیگر قطع می کند.

ملاحظه فرمایید؛ يك پرستار یا يك طبیب زمانی که وارد بیمارستان می شود باید از هشت صبح مشغول شود تا دو بعدازظهر، وقتی وارد بیمارستان می شود يك لباس سفید به تنش می کند این لباس، لباس کار است

یعنی دیگر از حالا تا آخر وقت من فقط و فقط باید اشتغال داشته باشم به کارهای مربوط به بیمار و بیمارستان و کارهای دیگر انجام ندهم.

حاجی لباس احرام می پوشد که خودش را آماده کند برای زیارت خانه خدا و اشتغال به هیچ کار دیگری به جز حج پیدا نکند. چرا زمانی که می خواهیم به میهمانی خدا برویم باید در میقات لباس احرام بپوشیم؟ ما بالاخره فرزندان حضرت آدم هستیم آنچه که در آدم بود در فرزندان هم مشابه آن ها وجود دارد، وقتی انسان می خواهد به زیارت خانه خدا برود مسئله ی حضرت آدم برایش تداعی می شود که چطور جناب آدم داخل بهشت شد؛ جای به این خوبی وسایل فراهم، هوای مناسب خوراك مناسب فقط به آدم گفته اند اگر از این

درخت استفاده کردی دیگر در بهشت نمی توانی بمانی، شیطان آمد و فرییش داد آدم هم نافرمانی کرد و از درخت گندم تناول نمود به مجرد این که از آن درخت خورد لباس های آدم و حوا فرو ریخت.

آری این ها بالاخره به زبان فطرت آشنا بودند، حیا کردند از این که زشتی های بدنشان پیدا شد عبارت قرآن است که وقتی خوردند و چشیدند؛

«بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا»⁽¹⁾

یعنی زشتی های بدنشان آشکار شد. حال چه کنند؟ این لباس اختیاری که به تنشان بوده از آن ها گرفته شده

ص: 12

1- اعراف 22 «فَدَلَاَهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ»

است ناچار از يك لباس اضطراری استفاده نمودند برگ های بهشت را به جای لباس به خود گرفتند.

چرا این اتفاق افتاد و زشتی ها پیدا شد؟ بخاطر گناه ولی گناهشان ترك اولی بود، معصیت به معنای گناه کبیره یا صغیره نبود امّا بالاخره خداوند زشتی ها را آشکار کرد. ما انسان ها هم لباسی داریم به نام لباس تقوا قرآن می فرماید:

«وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ»⁽¹⁾

اگر گناه کردیم لباس تقوا و این پوشش تقوی کنار می رود و این زشتی های ما آشکار می شود مثلاً وقتی عصبانی می شویم نباید فحش بدهیم، فحش حرام است.

ص: 13

1- اعراف 26 «امّا لباس پرهیزگاری بهتر است!»

موقعی که انسان عصبانی می شود و شروع می کند به فحش دادن، باطن و درون انسان بوسیله ی فحش دادن ظاهر می شود معلوم می شود این يك آدم خوش نَفَس و پاکی نیست آنچه که در درونش است را بیرون می ریزد، این زشتی ها ظاهر می شود و تقوی از بین می رود.

در زندگی همین طور است، انسان ها زمانی که تقوا دارند درونشان این امور هست اما بروز نمی کند یعنی تقوی نمی گذارد این زشتی ها ظاهر بشود هنگامی که انسان بی تقوائی نمود درونش آشکار می شود زشتی ها خودنمایی می کنند و پرونده اش سیاه می گردد.

ما هم ناچاریم همانکاری را که حضرت آدم انجام داد انجام دهیم، حضرت آدم وقتی که به این کیفیت مبتلا شد و فهمید کار خلافی کرده است شروع به گریه

ص: 14

نمود و توبه کرد و تا آخر عمرش هم می گریست، یکی از بگائین عالم «یعنی کسی که زیاد گریه می کند» حضرت آدم بود.

حالا می خواهیم برویم حج، می خواهیم برویم خودمان را پاك كنیم، وقتی می رسیم به میقات دیگر رابطه ی ما با وطن و اولاد، با شغل و کار و کسب قطع است. تنها و تنها به یاد این هستیم که این جا با خدا ارتباط برقرار کنیم هیچ چیز دیگر از ذخائر دنیا و زر و زیور آن در اختیار ما نیست، ما هستیم و خدا وقتی به یاد این می افتیم که آلوده هستیم و حالا می خواهیم برویم خانه ی خدا خجالت می کشیم.

آدمی که مهمان است اگر چنانچه لباسش یا بدنش کثیف باشد خجالت می کشد به مهمانی برود، اول

می رود لباس هایش را تغییر می دهد، حَمَّام می رود نظافت می کند معطر می شود، حال مرا خدا دعوت کرده بوسیله ی حضرت ابراهیم:

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ» (1)

ما مهمان خدائیم، می خواهیم برویم مهمانی اما خجالت می کشیم يك عمری خودمان را آلوده کردیم حالا می خواهیم خودمان را پاک کنیم و با کندن لباس هایمان نشان می دهیم جریان آدم را، که وقتی حضرت آدم در اثر گناه لباس هایش ریخت و لباس اضطراری پوشید.

خدایا! ما هم همین گونه هستیم می فهمیم در اثر بی تقوایی گناهای انجام داده ایم و خود را رسوا نموده ایم

ص: 16

1- حج 27: «و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛»

حالا لباس اضطراری می پوشیم که دو قطعه ی احرام باشد تا خودمان را پاک کنیم و همانند پدر بزرگمان اصلاح بشویم. انشاءالله این برنامه زمانی که برای ما تداعی شد به اختیار خود آن صحنه را بوجود می آوریم و زمینه را مساعد می کنیم برای توبه و سرود را آغاز می کنیم، سرود حاجی در موقعی که می خواهد به حج برود این است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ»⁽¹⁾

یعنی خدایا دعوتمان کردی حال ما آمده ایم دعوت را اجابت کنیم، از این جا دیگر رابطه ی با خدا شروع می شود و مهمان خدا می شویم؛ لحظه به لحظه گناهان ما با اعمال حج - اگر درست به جا آوریم - تصفیه

ص: 17

می شود.

يك روايت دیدم که این روايت را مرحوم سيد هاشم بحرانی در معالم الزلفا نقل می کند روايت عجیبی است من مشابه آن را ندیدم:

حاجی وقتی می رود عرفات و غروب عرفه می شود مثل روزی است که از مادر متولد شده، از تمام گناهان پاک می شود، چه حق الله و چه حق الناس؛ حق الله مربوط به خود انسان و خدا است، و خدا هم می داند با بنده اش چکار کند.

اما حق الناس به چه منظور بخشیده می شود؟

در روايت دارد که خدا به گونه ای زمینه را مساعد می کند تا حاجی به عرفات آمده مسائل حق الناس را حلّ کند تا ذمه اش از مردم فارغ شود، خداوند سبب

ص: 18

سازی می کند که انسان پاک شود به همین خاطر است که می گویند: وقتی حاجی از مکه می آید شما اول کسی باشید که با او مصافحه می کنید زیرا تا هنوز پاک است و با مردم ارتباط پیدا نکرده شما بروید با او مصافحه کنید تا به ثواب برسید.

غرض این که اول اثری که حج دارد پاک سازی است که کاملاً از آن موقعی که مُحرم می شود تا آخر اعمال تمام عوامل فراهم می شود برای این که این انسان پاک پاک بشود منتهی اگر خودمان حجامان را خراب نکنیم.

اما امروزه چه کارها که نمی کنیم!!! کارهایی که باعث می شود حجامان به تباهی کشیده شود، حجامان را با این همه آثار مهم و عجیبی که دارد ضایع می کنیم؛ مثلاً خودم در منی دیدم شخصی را که عصبانی شده بود و

فحش می داد، - در آنجانی شود فحش داد - برای این که به قول خودش دلش خالی شود، حاضر بود قیمت ده گوسفند را بدهد ولی دست از فحش دادن بر ندارد.

این يك مورد است موارد متعدد دیگر هم هست که مجال ذکر آن ها نیست.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

ص: 20

سخنرانى

حضرت آية الله حاج سيد حسن فقيه امامى

(مدّ ظلّه العالى)

پیرامون فلسفه ى حج

«قسمت دوّم»

جمادى الثانى 1425 هـ.ق

ص: 21

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمدُ لله ربِّ العالمين حمداً أزلياً بآبديته، وأبدياً بأزليته، سرمداً بإطلاقه مُتَجَلِّياً مرايا آفاقه، والصلوة والسلام على سيِّدِ أنبيائه البشير النذير
والسراجِ المُنيرِ سيِّدنا أحمد ونبينا أبي القاسم مُحَمَّد، واللعنُ الدائم على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين.

بحث در رابطه با شرح جملات خطبه ی فاطمه زهرا علیها السلام بود و رسیدیم به قسمتی که این بانوی بزرگوار

ص: 22

اسلام پرداخته اند به فلسفه ی احکام اسلامی تا به مردم تفهیم کنند اگر قوانین و ضوابطی در اسلام است بدون حساب و کتاب وضع نگشته است این گونه نیست که بی حساب قوانینی تنظیم شده باشد تا ب راحتی بشود آن را نقض کرد، چون این قوانین حکیمانه تشریع شده است به همین خاطر نقضش به دست انسان ها جایز نیست و لذا است که قرآن می فرماید:

«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»⁽¹⁾

قانون گذاری مختص به ذات حق است کسی حق نقضش را ندارد.

فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند:

ص: 23

چرا خداوند همچون فریضه ی بزرگی، به نام حج را قرار داده است؟

زیرا دین را تشیید می کند، تشیید یعنی بالا بردن، وقتی يك چیزی را بخواهند رشدش دهند و از سطح زمین بالاتر ببرند می گویند تشیید. خداوند خواسته است تا دین مبین و حنیف را بالا ببرد یعنی جهانی کند، بدین جهت حج را قرار داده است، این حج يك عملی عبادی است که وجه ی جهانی دارد، حضرت ابراهیم علیه السلام تمام مردم جهان را دعوت نموده است برای شرکت در این کنگره ی عظیم الهی و تقریباً از روایات

ص: 24

این گونه فهمیده می شود که قوام و استواری دین به حج است، در روایت آمده: تا کعبه هست دین نیز پابرجاست.

آن کسانی که می خواستند دین را از بین ببرند تصمیم می گرفتند که کعبه را خراب کنند، البتّه خدای متعال از خانه خود دفاع نمود و کسانی که قصد این خیانت را داشتند؛

«فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ»⁽¹⁾

مثل کاه خورد شده متلاشی و نابود کرد.

موقعی که به تاریخ اسلام مراجعه می کنیم می بینیم که حج در انعقاد نطفه اسلام نقش مؤثری داشته است، این مقدمه را عرض کنم: قبل از اسلام مردم جاهلی هم

ص: 25

حج داشتند، می آمدند خانه خدا را زیارت می کردند، منتهی حج آن ها مثل حج ما نبود ما می رویم طواف می کنیم، نماز می خوانیم، استلام حجر می کنیم، اما آن ها می رفتند آنجا بت می پرستیدند، طواف هم می کردند، اما بعضی از آن ها با بدن عریان به طواف می پرداختند و به جای نماز سوت و کف می زدند، که قرآن می فرماید:

«وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءٌ وَتَصْدِيَةٌ»⁽¹⁾

چند سالی از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وآله گذشته بود، بعضی از مردم مدینه آمده بودند برای زیارت خانه ی

ص: 26

1- انفال 35: «نمازشان نزد خانه ی خدا، چیزی جز سوت کشیدن و کف زدن نبود؛»

خدا و پیامبر که در شعب ابی طالب به سر می بردند، اجازه داشتند برای ایّام حج از شعب بیرون بیایند.

یعنی در آن دوران، که سه سال پیغمبر در شعب ابی طالب تحت نظر بودند، این منطقه منطقه ای بود حصار بسته که مخصوص حضرت ابوطالب بود، قانون آن زمان این گونه بود تا شخصیت هایی که در دارالندوه شرکت داشتند هر کدام پناهگاهی دارا بودند، اگر مجرمی می رفت به این ها پناهنده می شد تا زمانی که در پناهگاه بود متعرض او نمی شدند. یکی از آن کسانی که عضو دارالندوه بوده است حضرت ابوطالب می باشد، دارالندوه مثل مجلس شورای ما است، آن زمان هم مرکز شورایشان دارالندوه بوده، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در شعب ابوطالب که پناهگاهی بود زیر نظر ابوطالب آنجا زندگی می کردند و کسی متعرضشان نمی شد، مردم مکه

ص: 27

که قصد جان پیغمبر را داشتند حضرت را آزار و اذیت می نمودند، پیامبر نیز پناهنده به شعب ابی طالب شدند و سه سال در آنجا زندگی سپری کردند.

شعب بیابانی بود که نه آب داشت و نه آبادی، و يك منطقه لم یزرع بود، حال با چه مصیبت هایی يك قوت لایموتی می فرستادند برای آن ها و آنجا زندگی می کردند، حضرت علی علیه السلام این مدت در شعب ابی طالب خدمت پیغمبر بودند، فاطمه زهرا علیها السلام هم در سن طفولیت نیز در خدمت پیغمبر بودند، ابوطالب هم نظارت می کرد.

خیلی در ظرف این سه سال به پیغمبر سخت گذشت فقط در موسم حج آزاد بودند تا بیایند برای زیارت خانه خدا، در مراسم حج دیگر کسی مزاحم آن ها نبود پیغمبر چون موسم حج می رسید به خودشان

ص: 28

اجازه می دادند تا از شعب ابی طالب بیرون آیند جهت شرکت در مراسم حج.

وقتی که اعراب می آمدند منی جهت قربانی کردن، پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله هم از فرصت استفاده می نمودند، و در منی حضور می یافتند و در عقبه که درّه ای بود از کوه های مکه، با هفت نفر از اعراب مدینه که برای زیارت خانه خدا آمده بودند ارتباط برقرار نمودند.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله آن ها را به اسلام فراخواند، آن ها هم گرایش به اسلام پیدا کردند و در سال بعد هم عیناً همین جریان اتفاق افتاد و سال بعد جمعیت دو برابر شد، به مکه آمدند با پیغمبر اسلام بیعت نمودند و سال سوم تعدادشان به هفتاد نفر رسید و با پیغمبر اسلام در عقبه بیعت کردند و از پیغمبر دعوت کردند تا به مدینه رود، همچنین درخواست کردند يك نفر به عنوان مبلغ

ص: 29

از طرف پیغمبر به مدینه برود تا مردم را ارشاد نماید، پیغمبر صلی الله علیه وآله هم مصعب نامی را فرستادند برای تبلیغ اهل مدینه و او هم با تلاوت قرآن مردم را دعوت به اسلام می کرد، ملاحظه کنید انعقاد نطفه اسلام در مدینه به برکت انجام مراسم حج بود این قضیه را در ذهن مبارکتان داشته باشید.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله در صدد این بودند تا مکه را فتح کنند، چون می دانستند کلید انقلاب اسلامی، مسئله ی فتح مکه است ده سال طول کشید و خداوند هم به پیغمبر وعده داده بود که ما تو را به مکه بر می گردانیم؛ قرآن کریم به این مطلب اشاره اجمالی دارد:

«إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ»⁽¹⁾

ص: 30

1- قصص 85: «آنکس که قرآن را بر تو فرض کرد تو را بجایگاهت باز می گرداند!»

سال دهم از هجرت پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله با ده هزار نفر از مسلمین راهی مکه شدند و مکه را فتح نمودند، بدون این که خون از دماغ کسی بیاید چون خواسته ی پیغمبر این بود که امنیّت حرم الهی حفظ شود (حال با چه زمینه سازی هایی پیغمبر آمدند تا وارد مکه شدند بماند) ولی مردم مکه يك جا تسلیم پیغمبر صلی الله علیه وآله شدند تا این که این آیات نازل شد:

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ 1ء وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً 2ء فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّاباً 3ء» (1)

«هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسید، و می بینی

ص: 31

1- سوره ی نصر

گرایش مردم دیگر تَك تَك نبود بلکه گروهی وارد دین خدا می شوند، پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه که او توبه پذیر است»

باز اگر ملاحظه فرمایید آن وقتی اسلام رونق می گیرد که مکه فتح بشود این پایگاه عظیم الهی زمینه ساز این می شود که این انقلاب رونق و شکل بگیرد و هر سال کنگره ی عظیم الهی تشکیل می شود تا مردم با اسلام تجدید عهد نمایند. مردم اطراف مکه هر سال در موسم حج می آمدند مقداری مسائل اسلامی را می آموختند و می رفتند در اطراف و اکناف جهان تبلیغ می کردند و واقعاً پایگاه عجیبی است.

دستور هم داریم که کارهای مهم و برنامه های دینی خیلی خیلی عمیق باید در موسم حج انجام بگیرد این بود که جریان غدیر خُم هم در ایام مراسم حج انجام

ص: 32

گرفت، که از همه جای جزیره العرب و اطراف و اکناف برای زیارت خانه خدا آمده بودند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مجبور شدند علی علیه السلام را به امامت منسوب کنند و به برکت مراسم حج اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام انجام گرفت آن وقت از هر کجا مردم به زیارت آمده بودند پیام غدیر را به اطراف و اکناف رساندند و منتشر کردند بی جهت نیست که فاطمه زهرا علیها السلام می فرماید:

«وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ»⁽¹⁾

الآن هم همین گونه است اگر می بینیم اسلام سرپاست به برکت کنگره ی عظیم حج است و موجی که در دنیا ایجاد می کند.

زمانی که می بینند مردم به اسلام علاقمندند می آیند

ص: 33

اطراف خانه خدا و طواف می کنند، وقتی علاقه ی مردم را می بینند کمی دست از توطئه هایشان بر می دارند؛ همین طور که در جریان اربعین امسال در عراق زمانی که آمریکائی ها آن جمعیت عجیب و غریب را دیدند که از اطراف، سواره و پیاده با آن شور و هیجان می آیند برای زیارت امام حسین علیه السلام حساب کار خودشان را کردند، شکست روحی خودشان را تحمل کردند.

آری این جمعیت ها اثرش این است وقتی که می بینند مردم دنیا با این هیجان از اطراف عالم می آیند با وسیله های مختلف، پیر و جوان، فقیر و غنی، عزیز و ذلیل همه ی طبقات جامعه به این منطقه می آیند و طواف می کنند و عشق می ورزند دیگر این ها به راحتی نمی توانند علیه مسلمان ها تصمیم بگیرند.

عامل نشر اسلام مراسم حج بوده است؛ حتی

حضرت صادق علیه السلام که می خواستند مسائل انقلاب امام حسین علیه السلام را به همه ی عالم منتشر کنند، زنان نوحه گر را اجیر می کردند و می فرمودند: «شما در موسم حج بیائید در منی بشینید برای امام حسین علیه السلام عزاداری کنید» این کار را می کردند تا پیام انقلاب امام حسین علیه السلام به برکت حاجی ها به تمام دنیا برسد.

يك حادثه اگر در موسم حج اتفاق بیفتد حتی اگر رادیو و تلویزیون هم نباشد این خبر به طور ضرب العجل به تمام دنیا می رسد و مردم دنیا از مشکلات مسلمین، با خبر می شوند.

این است که فاطمه زهرا علیها السلام گر چه حج منافع فراوانی دارد ولی حضرت روی این بُعد تکیه خاصی کردند، و این بُعد از همه ابعاد مهمتر و بالاتر است که تشیید دین است. یعنی بقاء دین به برکت مکه، و

مسجد الحرام و حج، تضمین می شود؛ لذا کسانی که می خواستند اسلام را از بین ببرند کعبه را هدف قرار می دادند.

منتهی در آن زمان يك صورت و در زمان ما به صورت های گوناگون دیگری بین مردم و دین فاصله می اندازند، آن زمان با تصمیم خراب کردن کعبه بود ولی امروز دیگر حربه هایشان عوض شده، الآن با این تشکیلات رسانه های جمعی از طریق اینترنت و ماهواره و دیگر وسائل ارتباطی، شبهاتی را بین مردم القاء می کنند؛ و شما می بینید که يك پیرمرد پس از هشتاد سال دم زدن از اسلام و تشیع تحت تأثیر این القاءات قرار می گیرد. و البته این مطلب را هم عرض کنم، که فکر نکید این شبهات تازگی دارد، از قدیم الايام و از زمان انعقاد اسلام تا الآن آن هایی که می خواستند اسلام را

ص: 36

نابود کنند آنجایی که زورشان نمی‌رسید تا با اتکاء بر قدرت اسلام را به زانو در بیاورند از طریق فرهنگی اقدام می‌نمودند، دائم شبهه القاء می‌کردند بطوری که حربه ی اسلام را کُند کنند، شما سوره فرقان را بخوانید و ببینید در همان زمان که بر پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله قرآن نازل می‌شد، يك عده آمدند به بهانه جویی و شبهه القا کردن، مردمی که آگاه بودند به مجردی که يك شبهه برایشان القاء می‌شد و سؤال پیش می‌آمد، می‌آمدند خدمت پیغمبر سؤال را مطرح می‌نمودند، حضرت هم جوابشان را می‌گفتند.

تا حال یا خدا با آیات قرآنی جوابگوی این ها بوده یا خود پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام، که احتجاجات این بزرگواران الآن موجود است. یعنی در حال حاضر کتابی موجود است از مرحوم طبرسی قدس سره بحث هایی که پیغمبر

کردند با قبائل گوناگون، با مکاتب مختلف همه ی این ها موجود است؛ فکر نکنید ایرادی به اسلام وارد می شود که جواب نداشته باشد آنچه که شما ایراد تصور کنید و به ذهنتان بیاید، این ها قبلاً پیش بینی شده و جواب هایش داده شده است.

الآن پیروان مکاتب باطله را با هر کدامشان که حرف بزنیم می گویند من اجازه بحث ندارم، برویم نزد مُلایی که ما داریم با او بحث کنید؛ و ای کاش ما مسلمان ها یاد می گرفتیم، اگر کسی می خواست با ما بحث کند و شبه القا کند، دستش را می گرفتیم می بردیم نزد عالمی که آگاه باشد و بتواند جواب این شبهات را بدهد. تمام این شبهات جواب دارد و آن هم جواب های حساب شده و منطقی، چون تکراری است و چیز تازه ای هم نیست این ها با شبه القاء کردن، مردم را متزلزل می کنند.

ص: 38

يك مقداری از سؤالاتی را که در اینترنت جمع کرده بودند را برای من آوردند، این قدر مضحك و خنده دار است که حد و حساب ندارد، آن وقت با يك چیزهای سر و ساده مسیر فکری مردم را عوض می کنند.

من این توصیه را به شما می کنم، هر وقت سؤالی برایتان پیش آمد پیش خودتان نگذارید و از آدم اهل علم و دین سؤالتان را بپرسید و جوابتان را بگیرید تا عقائدتان متزلزل نشود.

آن ها در کار خودشان موفق هستند، خیلی تلاش دارند و آن قدر پول خرج می کنند، آن قدر تبلیغات انجام می دهند، مقاله می نویسند سخنرانی می کنند، که حد و حساب ندارد تا این يك مقدار دین را از این مردم بگیرند، چون تا مردم دین دارند آن ها نمی توانند بر پشتشان سوار شوند، وقتی می توانند از مردم بارکشی

بکنند که افکارشان را تغییر دهند، منظوم این است که خیلی باید مراقب بود.

فاطمه زهرا علیها السلام می فرمایند: خدا حج را واجب کرده است تا مسلمان ها از اطراف دنیا برای زیارت بیت الله الحرام بیایند، و در آنجا مردم مشکلاتشان را بگویند و سؤالاتشان را مطرح کنند و پیام اسلام را به گوش مردم دنیا برسانند؛ این برنامه ها برای تقویت دین در موسم حج انجام می گیرد.

حالا نمی خواهیم وارد جزئیات و فروع فلسفه ی حج بشوم چون بحث خیلی مفصلی دارد، ولی اجمالاً گفتیم ورد شدیم.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

ص: 40

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

